



۵۰۰ مترمربع از اراضی ملی تنگدهوئیه رفع تصرف شد

رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان حاجی آباد از رفع تصرف ۵۰۰ مترمربع از اراضی ملی تنگدهوئیه شهرستان خبر داد .
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی منابع طبیعی و آبخیزداری هرمزگان ؛ ایوب شکاری گفت ؛ این اراضی که بصورت تخریب و تسطیح زمین توسط دستگاه لودر تصرف شده بود به استناد تبصره ماده ۵۵ پس از تفهیم متصرف از ملی بودن اراضی رفع تصرف شد .
شکاری افزود ؛ این اداره به منظور حفظ و حراست از عرصه‌های منابع طبیعی و انفال و مبارزه با زمین‌خواری به طور شبانه روزی آماده دریافت گزارشات مبنی بر تخریب و تصرف اراضی ملی، قطع درختان جنگلی و بوته‌های مرتعی، آتش سوزی و غیره از طریق شماره ۱۵۰۴ کد امداد جنگل و مرتع می‌باشد .

«صبح ساحل» به بهانه انتشار خبر «اخذ رضایت همسر برای آزمون دستیاری دندانپزشکی» گزارش می‌دهد؛

♦ صبح ساحل // سامیه طهوریان:

وزارت بهداشت در هفته گذشته خبری منتشر کرد که در آن اخذ رضایت شوهر را برای پذیرفته شدن زنان متأهل در آزمون دستیاری رشته‌های تخصصی دندانپزشکی را اجباری کرده و تعهدنامه‌ای را در این رابطه در راهنمای این آزمون گنجانده است.. حال می‌دانیم که حق اشتغال تبدیل به یکی از شروط مهم ضمن عقد برای زنان امروزی شده است. زیرا زنان نگران هستند که با ورود به زندگی متأهلی، استقلال مالی و شغل خود را از دست دهند. هم مدرن و مترقی بودن و هم با دیدگاه‌های سنتی در جامعه سرگردان، بحثی که زنان ما را به بحرانی دیگر گره زده است. این تناقض‌ها باعث شد که در خصوص مسئله‌ای تا این چنین مهم که آیا اشتغال و حق اشتغال وضعیت زنان را بهتر کرده است بپردازیم و اینکه چرا جوامع مترقی خواهان اشتغال زنان هستند و چرا بحث توسعه زنان به یک دغدغه جهانی تبدیل شده است؟

با جستجویی ساده در اینترنت در می یابیم که اشتغال زنان از نظر برخی جامعه‌شناس‌ها معایب دارد و از نظر برخی دیگر مزایا. اینکه نظر کدام یک بر دیگری ارجحیت دارد به عوامل متعدد بستگی دارد.

در این مطلب سعی داریم به نکته‌هایی اشاره کنیم که شاید تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است.

• پایان غارنشینی، شروع خانه‌داری •

بگذارید ساده شروع کنیم. انظر شما تاریخچه اشتغال زنان به چه زمانی می‌گردد؟ انقلاب صنعتی؟ قرن اخیر؟ جنگ جهانی اول یا دوم؟ خبر هیچ‌کدام. اشتغال زنان به ماقبل تاریخ برمی‌گردد. دوران میان‌سنگی. چیزی بین ۸ تا ۲۰ هزار سال پیش. زمانی که مردها به ابزارسازی برای شکار وزنان به اهلی سازی، کشاورزی و شکار حیوانات کوچک‌تر روی آوردند و انظر مورخان و باستان شناسان این موارد، نخستین دادوستدها کوچک و محلی بودند که رفته‌رفته به وجود آمدند. زنان رکن اصلی را در سنگ بنای تمدن بشری ایجاد کردند. مورخان ابداع کشاورزی و حرفه‌های پیرامون آن را به زنان نسبت دادند. زنان مسن‌تر قبيله به دليل نگره‌داری از کودکان زنان جوان به‌مرور میانگین عمرشان از مردان مسن گروه بیشتر شد وزنان جوان فرصت یافتند که برای بقا به دادوستدهای ابتدایی و خلق ابزارهای متفاوت روی بیاورند. تا این زمان از تاریخ، دگرذیسی جنسی و تفاوت جنسیت در میان قبيله‌ها نقش چندانی نداشت. زیرا هر عضو از قبيله یک نیرو برای بقا بود. اما در رشد تمدن، بخت با زنان یارو همراه نشد.

در طول تاریخ با هر پیشرفتی که در همه علوم داشتیم به حقوق بشرو حق برابری جنسیتی کمتر پرداخته شد. وضعیت زنان چنان رو پسرقت گذاشت که با پدید آمدن چیزی تحت عنوان آموزش و پرورش کودکان، این امتیاز فقط برای کودکان پسر حق شمرده می‌شد چون عمدتاً آن‌ها را نیروی کار ماهر می‌پنداشتند. جوامع در پس جنگ‌ها، فرازوفرودهای بسیاری داشتند، اما همچنان در ساده‌ترین موضوع یعنی برابری حقوق انسان‌ها در ابتدایی‌ترین راه ممکن بودند.

آموزش و پرورش در رشد هوش انسانی بسیار مهم قلمداد می‌شود. تا جایی که روی ساختار داخلی مغز چون لوب پیشانی (قسمتی با بیشترین نورون حساس) تأثیر می‌گذارد و رشد می‌دهد. این بزرگ‌ترین حقی بود که از زنان گرفته شد. در نتیجه عامل عقب‌افتادگی زنان و انزوای بیش از پیش آنان همین نقض آشکار در یادگیری و آموزش بود.

زنانی که به غارنشینی پایان دادند و تمدن‌های اولیه همراه با کشاورزی را پدید آورده بودند به خانه‌نشینی بیشتر و کارهای فرسایشی محکوم شدند در این میان زنان به کارهای بی‌مزد و کم مزد چون کشاورزی و خدمت کاری و نوزاد پروری مشغول بودند.

• زایش حق برابری، جهشی در تمدن بشریت •

در قرن هجدهم میلادی تعداد زیادی از زنان شروع به فعالیت‌هایی در حوزه صنعت کردند. زیرا نیاز به نیروی کار بسیار ارزان بود. جمعیت رو به افزایش و نیازها و

برخی نوشته‌اند که اشتغال زنان باعث شده است که زنان کمتر به تربیت کودک روی بیاورند و به تعهدات مادری خود کمتر عمل کنند. اما نمودار و داده‌های علمی خلاف این را می‌گوید. زنان شاغل به لطف استقلال مالی که دارند در مشارکت اقتصادی خانواده سهیم می‌شوند در نتیجه امکانات بیشتری در اختیار کودکانشان قرار می‌گیرند

پنج شنبه ۲۵ اردیبهشت ۹۹ سال سی و پنجم شماره ۴۰۳۸
Email : Info.Sobhesahel@Gmail.Com

کیک اقتصاد با زنان نان‌آور

کمتری کار کنند. تسهیلات دولتی و اجتماعی به کمک زنان می‌آیند.

سعی جامعه مترقی بر این است که به مدد علم و صنعت، کیفیت کار و رفاه را بالا ببرند تا در نتیجه آن بتوانند زمان و سختی کار را کمتر کنند وزنان و مردان را در امور خانواده بیشتر سهیم کنند. برای مثال بارشد تکنولوژی میزان ساعات کاری انسان‌ها نسبت به یک قرن گذشته نصف شده است. سختی و حوادث کارها به لطف مکانیزه شدن کمتر شده است. در نتیجه رفاه اجتماعی افزایش یافته است. این تأثیر بر زندگی زن و مرد و کودک قابل مشاهده است. شاید دو قرن پیش سفر تفریحی خانوادگی و لذت بردن از طبیعت و غذاهای آماده رستورانی تنها برای اعیان، شاهان و دوک‌ها بود ولی امروزه هر خانواده‌ای می‌تواند این سفرها را داشته باشد. اشتغال زنان این انحصارها را شکست. اقتصاد را به سمت تولید برای عوام برد. تنوع شغلی زیاد و در نتیجه رفاه افزایش یافت. این مسئله وضعیت مردان را نیز بهتر کرده است.

• زنان بیشتر در کدام بخش‌ها شاغل هستند؟ •

این سؤال و جوابی است که به‌کرات به آن پرداخته شده است. زنان در کشورهای مترقی در هر صنفی و در هر حوزه‌ای هستند. در واقع نیاز بازار، علم و صنعت، گزینه جنسیت را حذف کرده است و صرفاً به نیروی کار ماهر و بهتر روی آورده است. گزینه جنسیت از لیست استخدام بیشتر شغل‌ها در دنیا حذف شده است. تحصیل زنان رشد بسیار زیادی داشته و آن‌ها را وارد هر شاخه‌ای کرده است. تا پیش از این فقر می‌شد زنان از لحاظ بهره‌هوشی از مردان عقب‌تر هستند ولی یافته‌های علمی نشان داد که تحصیل و فرصت برابر آن برای دو جنس با شرایط برابر (هوش، سلامت، روان و انگیزه) خروجی مشابهی دارد. بنابراین هوش انسانی است نه جنسیتی. حتی به طور صد در صد موروثی هم محسوب نمی‌شود.

اما رشد تحصیل زنان به رشد اشتغال آنان منجر نشده است. زیرا در کشورهایی با اقتصاد بسته یا رانت دار چون نفت و گاز، زنان صرفاً به خاطر وجهه مدرن نشان دادن جامعه تحصیل کرده‌اند و نیاز بازار به زنان کمتر احساس شده است. یا تنوع شغلی بسیار کم است و شغل در انحصار مردان می‌ماند. این تمام ماجرا نیست. زنان در کشورهای توسعه‌نیافته بیشتر آسیب می‌بینند. عمده زنان در کشورهای فقیر شاغل هستند ولی شغل‌هایی را متحمل هستند که توسعه چندان اجتماعی و اقتصادی برای جامعه ندارند. جایی که علم و صنعت باهم درنیامیزند، اشتغال مرد و زن کارایی کافی را ندارد. جامعه و نسل بعدی رشد مناسبی نخواهد داشت. زنان همین امروز در بازار کار کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران نرخ مشارکت ۱۹ درصد رادارند حال آنکه بیش از ۵۰ درصد ظرفیت آموزش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. عمده زنان در کار برابر حقوق برابر دریافت نمی‌کنند. بازار کار برای زنان متنوع نیست. سطح مالی خانواده زن در آینده شغلی‌اش بسیار متأثر است و در بیشتر موارد استعدادش در نظر گرفته نمی‌شود. حمایت دولتی و اجتماعی مناسبی از زنان صورت نمی‌گیرد.

در نتیجه این کشورها در شکاف جنسیتی و جنسیت زدگی می‌مانند. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است اشتغال زنان باعث بهبود زندگی و کسب‌وکار هم زنان و هم مردان شده است. بار فقر و رفاه به دوش هر دو جنس است. موانع بر سر زنان اما همچنان همان نگاه مردسالارانه و سیستم‌های بسته اقتصادی است.

حال مردان هم از خشونت مردسالاری آسیب بسیاری می‌بینند. مردانی که تماماً تأمین مخارج زندگی و دشواری‌های مادی به دوش آنان می‌افتد. مردانی که در یک سیستم بسته حتی کودکی نمی‌کنند. منتقدان به اشتغال زنان هیچ‌گاه بعد آسیب‌پذیری کودکان و مردان را در نظر نمی‌گیرند. حال بازگردیم به دستیار دندانپزشکی زنی که اجازه همسرش، ضمیمه در آزمون استخدامی‌اش شده است. در این خصوص می‌بینید که دولت‌ها تصمیم می‌گیرند و نیاز این زنان را نادیده می‌گیرند و آنها را به هر جایی از کشور اعزام کنند و هم‌زمان امضای مردسالاری را به این به تصمیم خود می‌چسبانند. آن‌ها نیاز و اشتیاق زنان را منجمد کرده‌اند و بازار کار را کنترل می‌کنند و این چنین جامعه‌ای فشار مضاعف بر زنان وارد می‌کند که در نهایت یا زنان از بازار کار حذف می‌شوند و یا تحت مشکلات بسیاری متعهد می‌شوند.

می‌کنند. موسیقی و نقاشی را به دلیل رقابت آزاد به گزینه‌های تجاری خود برای جذب مادران شاغل اضافه می‌کنند. در نتیجه موسیقی به حرفه خوبی برای درآمدزایی تبدیل و هنرجو افزایش می‌یابد و افزایش هنرجو به رشد صنعت موسیقی کمک می‌کند. سطح کیفیت مهدها و کیفیت آموزش‌ها افزایش میابد. این مسئله در صنایع غذایی هم رخ می‌دهد. جوامع پیشرفته چون می‌داند که زنان سهم عمده در رویش اقتصاد مدرن دارند به نیازها و حقوقشان نیز احترام بیشتری می‌گذارد. این زنان فرصت برابر برای رانندگی می‌خواهند، برای تحصیل و مهارت‌آموزی فضای کافی می‌خواهند. آن‌ها با به‌پای مردان می‌آموزند و به تولید روی می‌آورند و نتیجه رشد جامعه در ابعاد مختلف می‌شود.

• حال خوب و بد زنان با حق اشتغال •

اشتغال وضع زنان را بهتر کرده است یا نه را باید از دو جهت بررسی کرد. یک جهت آن می‌گوید بله، یک جهت می‌گوید نه. اما چرا نه؟ همه چیز به نوع جامعه‌ای که زنان در آن زندگی می‌کنند بستگی دارد. در جامعه‌ای که با نگاه‌های سنتی خود، با فرصت برابری زنان کنار نیامده است وضعیت برای رشد و توسعه زنان مناسب نیست. زنان در این‌گونه جوامع بین مدرنیته و سنت‌ها گیر افتاده‌اند. هم باید به‌عنوان یک زن مدرن تحصیلات و حرفه داشته باشند و هم به‌عنوان یک مادر تمام‌وقت به خانه‌داری مشغول باشند.

زنان بسیاری را می‌شناسیم که بعد از پایان وقت اداری به‌صورت صد درصد مشغول به همان کارهایی هستند که یک زن خانه‌دار تمام‌وقت دارد. بدون همکاری همسر. مردانی که به هیچ‌وجه سهمی در امور خانه‌داری و تربیت کودک ایفا نمی‌کنند. نگاه مردسالارانه آن‌ها باعث عدم رشد زن خانواده و در نتیجه جامعه می‌شود. زنان تحصیل‌کرده و با استعداد بی‌شماری هستند که تمام عمر را صرف اموراتی می‌کنند که جز فرسایش آن‌ها چیزی را حاصل نمی‌شود. نوع دیگر جوامع ضد زن، جوامع سوسیالیستی هستند که نیازهای افراد در آن به‌شدت منجمد شده است؛ در ظاهر کاملاً برابر خواه هستند اما در باطن خیر.

تنوع شغلی در جامع سوسیالیست کم است و بازار با نیاز جامعه رشد نمی‌کند و بلکه با قدرت‌ها و دولت‌ها کنترل می‌شود. در واقع بازار توسعه نمی‌یابد و درآمد‌ها کم می‌شود. زنان فرصت کمتری می‌یابند که شغلی بیابند و اگر بیابند سهم آن چنانی از کیک اقتصاد نمی‌برند. فشار مضاعف کار و تأمین مخارج و رفاه بر مردان نیز همکاری را در امور خانواده کم می‌کند و زن در یک حلقه بی تکرار کارهای فرسایشی قرار می‌گیرد. نوع جامعه و حکومت، در لذت بردن از برابری جنسیتی بسیار مؤثر است. در کشورهای مترقی حتی به زنان راه و روش‌های مدیریت خانه‌داری را آموزش می‌دهند تا بتوانند تحت‌فشار

که این رقم تا پایان سال ۲۰۱۶، به ۶٫۵ نفر کاهش یافته است. تمامی کشورهایی که کاهش مرگ‌ومیر کودکان را تجربه کرده‌اند، کشورهایی با اقتصاد باز هستند که زنان نقش عمده‌ای در پویایی اقتصادشان دارند و دوش به دوش مردان جامعه شان کار و خدمت می‌کنند. زنان تا پیش از انقلاب صنعتی به دلیل حجم زیاد کارهای خانه اصلاً وقتی برای حضور در جمع خانواده نداشتند. شستشو و نظافت و تهیه ابتدایی‌ترین نیازات خانواده به حدی سخت بود که میانگین عمر زنان کم می‌شد. تولید نان و نظافت و هر کاری مربوط به خانه‌داری بسیار دشوار بود. در مقاله‌های متعددی که از زندگی زنان کشورهای فقیر آفریقایی نوشته‌شده است به‌صراحت و کرات اشاره می‌شود که به دلیل حجم بالای کارهای خانه و تولد و نگره‌داری فرزند از هر ۵ زن یکی در جوانی می‌میرد. چیزی شبیه به یک جنگ. حال آنکه این وضعیت برای زنان مترقی سوئدی از هر ۱۸ هزار زن است

زنان بسیاری را می‌شناسیم که بعد از

پایان وقت اداری به‌صورت صد درصد

مشغول به همان کارهایی هستند که

یک زن خانه‌دار تمام‌وقت دارد. بدون

همکاری همسر. مردانی که به هیچ‌وجه

سهمی در امور خانه‌داری و تربیت کودک

ایفا نمی‌کنند...

که آن‌هم برای زنان با سابقه بیماری اتفاق می‌افتد. در نتیجه زنان و کودکان در کشورهای برابرخواه فرصت زندگی بهتری دارند. حال اینکه این وضعیت بدون مشارکت زنان در اشتغال و تحصیل میسر نمی‌شود.

• زنان و دومینوی کسب‌وکار •

زنان با اشتغال بیرون از خانه، تنوع شغلی را در جامعه پدیدآورند. برای مثال تصور کنید برای داشتن رفاه بیشتر و درمان بهتر باید درآمد بالاتری داشته باشید، به‌عنوان یک زن که مدرس دانشگاه هستید باید کودک خود را به مهدکودک بسپارید و در نتیجه شغلی به‌عنوان مربی مهد به وجود می‌آید. آن مربی مهد در زمانی که به مربی‌گری مشغول است شستشوی فرش خود را به شخص دیگری بسپارید که شغل قالی‌شویی را پدید می‌آورد. بعد از مدتی تعداد قالی‌شویی و مهدکودک بسیار می‌شود و در رقابت با یکدیگر هرکدام دست‌به‌کاری می‌زنند. قالی‌شویی‌ها سفارش یک دستگاه سریع‌تر می‌دهند و دیگری نیروی کار بهتر استخدام می‌کند. کارخانه تولید ابزار قالی‌شویی تأسیس می‌شود.

از طرفی مهدکودک‌ها نیروی بیشتری استخدام